

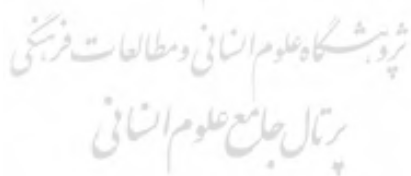
بررسی تاریخ تشیع کاشان از دیدگاه علما تا قرن دهم هجری

محبوبه توتونی مفرد^۱

چکیده:

سابقه تشیع از همان زمان پیامبر (ص) به چشم می‌خورد اما در زمان امام علی (ع) رسمیت بیشتری یافت و افراد موافق با این امام به این مذهب گرایش پیدا کردند. یکی از شهرهای مهم که دارای مذهب تشیع هستند، شهر کاشان است. برای بدست آوردن تاریخ تشیع کاشان باید آن را با قم پیوند زد. چون بیشتر افراد قمی اصیل در کاشان املاک داشته و در آنجا رفت و آمد کرده‌اند. هدف مطالعه توصیفی-تحلیلی فوق پیشینه تاریخ تشیع کاشان از نظر عالمان شیعی به این شهر است. مطالب فوق به روش کتابخانه‌ای و با استفاده از ابزار فیش‌برداری جمع‌آوری شده است. می‌توان اذعان داشت که تشیع در کاشان از اهمیت زیادی برخوردار بوده تا جایی که بسیاری از صاحب‌نظران دینی و تاریخی از آن به خوبی یاد کرده‌اند و به آن اهمیت ویژه داده‌اند.

کلمات کلیدی: شیعه، تاریخ تشیع، کاشان



^۱ کارشناس ارشد تاریخ تشیع، totoni.mofrad@gmail.com

مقدمه

قبل از شروع به بحث اصلی، یعنی تاریخ تشیع کاشان، نیاز است که ابتدا به تاریخ تشیع در سده‌های نخست پرداخت. به‌طور یقین مطالعه ناحیه جغرافیایی و مناطقی که اشتقاق یک شاخه مهم مذهبی در آن رشد و نمو نموده، شکل گرفته و در طول زمان تبدیل به یک مرجع بزرگ در جهت پاسخ به تمامی نیازهای علمی و دینی مردم گشته است، برای کسانی که متأثر از این فرهنگ و مذهب بوده‌اند بسیار سودمند خواهد بود. اما متأسفانه شیعیان در بلاد و شهرهایی از جهان اسلام می‌زیستند که اطلاعات ما از آنها به سبب عدم توجه منابع تاریخی به مقوله جغرافیای انسانی، کاملاً محدودند و از خلال منابع گوناگون تاریخی، جغرافیایی، رجالی و حدیثی، تنها می‌توان به آگاهی‌های اندکی در این خصوص دست یافت. در طول تاریخ فراز و نشیب‌های بسیاری گریبان‌گیر پیروان این مذهب شده است و با توجه به این گوناگونی موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی پیش آمده، تراکم جمعیت در شهرهای مختلف ناهمگون بوده است. لذا، در برخی شهرها این تراکم به حدی می‌رسید که اکثریت جمعیت شهر را شامل می‌گردید و به سبب کثرت جمعیت شیعیان و برتری نسبی تشیع، شهر مذکور به عنوان شهری شیعه‌نشین و شیعه مذهب شناخته می‌شد (قریشی و عسگری، ۱۳۹۱: ۵۸). یکی از شهرهای مهم که از نظر مذهب تشیع دارای اهمیت بسیاری بوده، کاشان است.

تشیع کاشان را باید با قم پیوند زد به‌ویژه که برخی از شیعیان اصیل قم همچون خاندان برقی در کاشان املاکی داشتند که مجبور بودند در آنجا رفت و آمد کنند. ابن‌حوقل نوشته است که آنها شیعیان غالی هستند (ابن‌حوقل، ۱۹۳۸م: ۳۰۸). مستوفی می‌نویسد مردم همگی شیعه مذهبند و اکثراً لطیف طبع و حکیم وضع هستند (مستوفی، ۱۳۳۶: ۶۷). ابن‌بطوطه هم در بین شماری از شهرهای شهرنشین، از کاشان یاد می‌کند (مستوفی، ۱۳۳۶: ۱۸۷). محله‌ای بنام محله پنجه شاه در کاشان است که براساس نقل عامیانه، محل دفن دست حضرت عباس است و گفته‌اند که دختر مالک اشتر از کربلا آن را به این سو آورد (جعفریان، ۱۳۸۷: ۲۱۲). از سوی دیگر مراسم انتظار ظهور مهدی (عج) در شهر کاشان برقرار بوده است. ایشان همگی هرروز صبح بر اسب سوار می‌شدند در بیرون از دروازه شهر به انتظار امام می‌ایستادند (حموی، ۱۳۸۰: ۲۹۷). از کهن‌ترین امام‌زاده‌ها، امامزاده علی بن امام باقر (ع) است که به نام مشهد اردهال در ۴۲ کیلومتری غرب کاشان قرار دارد (فرخ‌یار، ۱۳۶۹: ۲۶). با توجه به مطالب بیان شده در این جستار سعی بر آن است تا مطالبی در خور در خصوص پیشینه تشیع کاشان ارائه گردد.

پیشینه تحقیق

رحمتی (۱۳۹۵) در کتاب خود با عنوان تشیع: تاریخ و فرهنگ بیان کرد که نسخه‌های خطی و اهمیت آنها در مطالعات اسلامی به نحو عام و تاریخ تشیع به نحو خاص، موضوعی است که به ما امکان می‌دهد، صفحات تازه‌ای در مطالعات تاریخ تشیع بگشاییم.

قریشی و عسگری (۱۳۹۱) در مطالعه‌ای با عنوان جغرافیای تاریخی شیعه در سده‌های نخست بیان نمودند که جغرافیای تاریخی شیعه یکی از موضوعات مورد توجه در سال‌های اخیر است که ویژگی و امتیاز خاص این بُعد از مباحث اجتماعی-تاریخی، توجه به جغرافیای اقشار مختلف شیعه همزمان با پرداختن به سیر تحولات تاریخی این مهم می‌باشد. بررسی این موضوع از آن نظر حایز اهمیت است که از جایگاه و موقعیت اجتماعی شیعیان در جهان اسلام و تأثیرات آن بر تحولات سیاسی و اجتماعی و فرهنگی عالم اسلامی شناختی بهتر و دقیق‌تر در اختیار محقق قرار می‌دهد.

صادقی (۱۳۸۶) در کتاب خود با عنوان کاشان در مسیر تشیع ضمن معرفی شخصیت‌های سیاسی و مذهبی کاشان گسترش تشیع در این منطقه را تا ابتدای دوره صفویه تبیین کرده است. الفاظ و تعبیرها، منابع تاریخ محلی، منابع روایی و شرح حال، جنبش‌های اجتماعی، دورنمای کاشان قرن ششم، آثار علمی عالمان کاشان و عوامل دگرگونی‌های اجتماعی موضوعاتی هستند که در این کتاب به درستی بیان شده‌اند.

مفهوم تشیع

شیعه در لغت بر دو معنا اطلاق می‌شود، یکی توافق و هماهنگی دو یا چند نفر بر مطلبی، و دیگری، پیروی کردن فردی یا گروهی، از فرد یا گروهی دیگر. در زبان عربی در اصل به معنای یک، دو یا گروهی از پیروان است. در قرآن این لفظ چندین بار به این معنا به کار رفته است. برای نمونه در آیه ۱۵ سوره قصص درباره یکی از پیروان موسی از عنوان شیعه موسی و در جای دیگر از ابراهیم به عنوان شیعه نوح یاد می‌کند. در تاریخ اسلام لفظ شیعه، به معنای اصلی و لغوی‌اش برای پیروان افراد مختلفی به کار می‌رفت. برای مثال، گاهی از شیعه علی بن ابی‌طالب و گاهی از شیعه معاویه بن ابی‌سفیان نام برده شده است. اما این لفظ به تدریج معنای اصطلاحی پیدا کرد و تنها بر پیروان علی که به امامت او معتقدند اطلاق می‌شود (شمالی، ۱۳۸۴: ۱۵).

واژه شیعه در زمان حیات پیامبر از طرف ایشان به دوستداران علی بن ابی‌طالب گفته شد. پس از وفات پیامبر کسانی که معتقد به اولویت علی بن ابی‌طالب برای خلافت بودند شیعه نامیده می‌شدند. تمایز این گروه از دیگر مسلمین تا زمان امام پنجم شیعیان فقط در محبت به اهل بیت و اعتقاد به شایستگی انحصاری آنها برای حکومت مسلمین بود. از زمان امام پنجم شیعیان محمد بن علی ملقب به باقر، به تدریج شیعه به عنوان یک مکتب مجزای فقهی حقوقی درآمد. در زمان امام ششم، جعفر بن

محمد صادق با گسترش مباحث کلامی شیعیان (پیروان ایشان) از نظر کلامی نیز در کنار معتزله و اشاعره مکتب ویژه خود را پایه‌گذاری کردند. اکنون «شیعه» در اصطلاح به آن عده از مسلمانان گفته می‌شود که به خلافت و امامت بلافصل علی معتقدند، و بر این عقیده‌اند که امام و جانشین پیامبر اسلام از طریق نص شرعی تعیین می‌شود، و امامت علی و دیگر امامان شیعه نیز از طریق نص شرعی ثابت شده است (خطیبی و همکاران، ۱۳۸۵: ۲۹). همچنین است که از جابر بن عبدالله انصاری نقل شده است:

ما نزد رسول‌الله بودیم که علی بن ابی طالب وارد شد در این هنگام پیامبر فرمودند: «قسم به کسی که جان من در قبضه قدرت اوست این مرد (اشاره به علی) و شیعه او روز قیامت رستگارانند» آنگاه بود که آیه خیرالبریه نازل شد.

إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ (قران کریم، بینه، ایه ۷)

تاریخچه شهر کاشان

کاوش‌های باستان‌شناسی در منطقه کاشان که از حدود ۷۰ سال پیش آغاز شده است، تاریخ این منطقه را به عهد نوسنگی می‌رساند. این شواهد را می‌توان در تپه قبرستان واقع در شمال کاشان و تپه شمالی سیلک پی گرفت. اولین تحقیقات باستان‌شناسان در سیلک به سال ۱۳۱۶ هجری شمسی توسط گیریشمن انجام گرفت. وی چهار دوره تاریخی برای زندگی و سکونت در دو تپه شمالی و جنوبی نشان داد که از حدود هزاره پنجم پیش از میلاد تا میانه هزاره اول پیش از میلاد ادامه داشته است. در این دوران پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در زندگی ساکنان سیلک روی داد. از پیشرفت در فن کوزه‌گری، پخت ظروف و تزئینات آن با نقوش و خطوط جانوری و پیدایش خط که برای اولین بار در مرکز ایران در میانه هزاره چهارم پیش از میلاد اختراع شد تا ساخت شهری مستحکم با دیوار و استحکامات و ساخت معبد و جنگ با دولت‌های بزرگ غرب به ویژه آشور. ظاهراً در نهایت هم همین دولت آشور بود که طومار تمدن سیلک را در هم پیچید (گیرشمن، ترجمه معین، ۱۳۷۴: ۴۵).

اطلاعات ما درباره منطقه کاشان پس از خاموش شدن سیلک روشن نیست. اما آثار و تپه‌های باستانی متعدد و قراین دیگر نشان از رونق و آبادی در نقاط مختلف این منطقه دارند. آگاهی‌های ما از دوره ساسانی قابل توجه است و شهر کاشان در آن دوران شهری درخور توجه بوده است و چنانکه حضور لشکر کاشیان در جنگ با اعراب و وجود آیین‌های متعدد در این شهر که قطعاً از آن دوران است و گزارش‌های جغرافی‌دانان و مورخان سده آغازین دوره اسلامی تصویری پرونق و اصیل از این منطقه به دست می‌دهد. در دوره اسلامی نیز اهمیت و رونق کاشان رو به افزایش است. کاشان ابتدا رستاق یا بخش بزرگی از کوره شهرستان اصفهان و سپس جزو کوره قم که در سده دوم از اصفهان جدا شد به حساب می‌آمد. اما اطلاعات ما از دوره اسلامی بیشتر از سده‌های چهارم و پنجم و ششم هجری است.

به‌ویژه در سده ششم که کاشان از ولایات شیعه‌نشین و معتبر با مدارس، مساجد و آثار باشکوه و خیرین نیکوکار و رجال سیاسی و مشاهیر خوشنام است که شرح آن را می‌توان در کتاب النقص قزوینی رازی و دیوان ابوالرضا راوندی پی گرفت. در سده هفتم و دوره ایلخانی نیز گرچه خرابی و ویرانی مغولان چشمگیر و غیرقابل جبران بود، اما پس از استقرار دولت ایلخانی و توجهی که بعضی از سلاطین آن از جمله غازان خان و سلطان محمد خدابنده به تشیع داشتند، کاشان نیز رونق و فروغی چشمگیر داشت. آثار باشکوه و همچنین عالمان و فرهیختگان و هنرمندان و ادبا و دانشمندان فراوانی که در این دوره ظهور کرده‌اند نشان اعتبار و آبادی و توسعه این شهر در عصر ایلخانی است. پایان کار مغولان و هجوم تیموریان نیز در ابتدا این شهر را دچار آشوب کرد اما رفته رفته اوضاع آرام گرفت. ساکنان کاشان در دوره تیموری هنر و ذوق دوران پیشین را به حد اعلائی رساندند و شهر را به شهری پاکیزه و پررونق و آباد و دانش‌پرور تبدیل کردند. صنایع مختلف، هنرها و دانش‌ها رونق یافت و بر مدارس دوره‌های پیشین افزوده شد و شهر خیزشگاه دانشمندی مانند غیاث‌الدین جمشید گشت. دوره صفوی نیز به‌واسطه تشیع دیرپای کاشیان شهر با اقبال سلاطین صفوی مواجه گشت، ضمن آنکه نزدیکی این شهر با اصفهان پایتخت صفویان مزید بر آن توجه ویژه بود. توجه سلاطین صفوی به کاشان و به تبع آن تکاپوی صنعت و هنر در این شهر در هزاران اثر به‌جامانده از این دوران هویداست. در دوران پس از صفوی و به‌ویژه دوره قاجاری و پهلوی با آشنایی کاشیان به تمدن و فرهنگ جدید که از غرب نشأت می‌گرفت شهر به تبع پیشرفت‌های کشور با صنایع، هنرها و دانش‌های جدید آشنا شد چنانکه کاشیان در روشنفکری و روزنامه‌نگاری و انتشار آرا و افکار نسبت به دیگران پیش‌قدم بودند و مشاهیر متعددی در زمینه‌های فرهنگی، علمی، ادبی و هنری از این شهر برخاستند که آثار آنها تازگی و طراوت خود را هنوز از دست نداده است. در دهه‌های اخیر و بعد از انقلاب اسلامی نیز رونق علم و دانش در کاشان چشمگیر بوده است و وجود مراکز علمی، تحقیقاتی و صنعتی از جمله دانشگاه‌های مختلف نشان از رونق و ترقی شهر دارد (مشهدی، ۱۳۸۴: ۹۱).

اهمیت کاشان و تشیع

اهمیت کاشان در قرن ششم هجری به دلیل اقامت دو عالم برجسته شیعی در آنجا یعنی ابوالرضا راوندی و قطب‌الدین راوندی و مدرسه مجدیه که یکی از اعیان شهر برای عالمان امامی شهر بنا کرده بود، نکته‌ای است که از خلال نسخه‌های خطی متعددی می‌توان در باب آن اطلاعات کسب کرد. در حقیقت برای بحث و جستجو از تشیع در شهرهای ایران پیش از صفویه مراجعه به نسخه‌های خطی بسیار ضروری است. مذهب مردم این شهر، شیعه اثنی عشری است، چنان که به‌واسطه ایمان راسخ، زهد و تقوای بی نظیر شیعیان آن از صدر اسلام تاکنون با نام دارالمومنین در صدر شهرهای شیعه‌نشین قرار گرفته و به نیکی از آن یاد شده است. به طوری که در زمان صفویه کاشان پایتخت

مذهبی ایران شناخته شده بود. از قرن‌ها قبل عده‌ای از یهودیان نیز در کاشان ساکن بوده‌اند که از دوره صفوی تعداد آنها زیاد بوده لیکن امروزه تعداد کمی از آنان در این شهر اقامت دارند. تشیع در کاشان سابقه‌ای طولانی دارد و در قرن هشتم از میان شاگردان برجسته علامه حلی و مجازین از او عالمی چون الحسن بن‌الحسین بن‌الحسن السرابشونی که مجدلاتی از کتاب تحریر الاحکام علامه حلی به خط او و با تاریخ کتابت جزء اول جمادی الاولی ۷۳۵ در شهر کاشان نوشته است (رحمتی، ۱۳۹۵: ۱۸۳).

مولفان شیعی متقدم کاشان

نجاشی در رجال خود از چند عالم مولف شیعی یاد کرده است. یکی از آنها ابومحمد عبدالرحمن بن حسن کاشانی است که ملقب به «الضریر المفسر» بوده است. نجاشی درباره او نوشته است: «وی حافظه خوبی داشته و در کاشان می‌زیسته است. من نامه او را به ابوعبدالله حسین بن عبیدالله و ابوعبدالله محمد بن محمد دیدم. او قصیده‌ای در فقه نیز داشته است». عالم دیگری کاشانی، ابوالحسن علی بن محمد بن شیره کاشانی (زندگی در میانه قرن سوم هجری) است. نجاشی درباره او نوشته است:

«او فقیه بوده، روایات زیادی نقل کرده و فاضل بوده است. احمد بن محمد بن عیسی او را مطعون دانسته؛ نیز گفته شده که از وی آرای مذهبی نادرستی شنیده شده، اما چیزی که این مطالب را نشان دهد در آثارش دیده نشده است». آثار وی عبارتند از: «کتاب التادیب» که در نماز است و شبیه کتاب ابن‌خانیه، اما افزوده‌هایی در حج دارد. کتاب دیگر او، کتاب «الجامع فی الفقه» است که بزرگ می‌باشد. صدوق چندین روایت از وی نقل کرده است. در این نقل‌ها، احمد بن محمد بن خالد برقی، محمد بن حسن صفار و سهل بن زیاد از وی روایت می‌کنند (ابن‌بابویه ترجمه ذهنی تهرانی، ۱۳۸۰: ۶۶۸).

کاشان پناهگاه علویان

فشاری که از ناحیه خلفای اموی و بیشتر از آن، عباسیان به طالبی‌ها وارد آمد، آنها را مجبور کرد تا مشرق پناهنده شوند. شهرهای مختلفی در ایران از شمال تا جنوب، مأوای آنها شده بود. در این میان چند شهر به دلایلی، بیشترین تعداد علویان را پذیرفت. بعد از شهر قم که به تعبیر امام صادق (ع) «مأوای فاطمیان» (قمی، ۱۳۸۵: ۹۸). و ملجأ و پناهگاه شیعیان بود، باید از شهر ری و کاشان یاد کرد که هنوز مقابر علویان در آنها فراوان است (کربلایی، ۱۳۸۳: ۲۱۲).

بسیاری از بزرگان سادات که به قم عزیمت می‌کردند، پس از مدتی راهی ری و کاشان می‌شدند. در مواردی هم فرزندان آنها، دست به چنین مهاجرت‌هایی می‌زدند (قمی، ۱۳۸۵: ۲۱۰). یک نمونه،

حکایت آمدن موسی بن محمد بن علی بن موسی بن جعفر است که به «موسی مبرقع» شهرت دارد. وی در سال ۲۵۶ به قم آمد. روشن نیست که چرا برخی از مردم قم با وی به مخالفت برخاستند و او به اجبار به کاشان رفت. به نقل مولف تاریخ قم:

«چون به کاشان رسید، احمد بن عبدالعزیز بن دلف عجلی او را اکرام کرد و ترحیب نمود و خلعت‌های بسیار و بارگیری‌های نیکو و چندین تجمل بدو بخشید». در این وقت؛ ابوالصدیم و یکی دیگر از روسای عرب، مردم قم را به این جهت توبیخ کردند:

«پس روسای عرب را به طلب ابو جعفر موسی بن محمد بفرستادند تا شفاعت کردند و او را به قم باز آوردند و بسیاری اعزاز و اکرام کردند و از مال خود از برای او سرایی بخریدند و بیست هزار دوم از بر او قسمت کردند و بدو دادند» (قمی، ۱۳۸۵:۲۱۵).

به دنبال آن، دختران محمد بن علی، در طلب او از کوفه به قم آمدند و به عقب ایشان، بریبه دختر موسی بیامد. موسی مبرقع در سال ۲۹۶ وفات یافت. معمولاً سادات شهرهای قم، کاشان و آبه، یک نقیب داشتند. درباره ابوالحسن موسی بن احمد گفته شده است: «ابوالحسن مردی بود بس فاضل، متواضع و متخلق و سهل‌الجانب بوده است. با عنفوان جوانی و حوادث سن نقابت سادات علویه به شهر قم و نواحی قم بدون مفوض بوده است و قسما و وظایف و رسوم و مرسومات و مشاهرات سادات آبه و قم و کاشان و خورزن مجموع به دست و اختیار و فرمان او بوده است و عدد ایشان در آن زمان از مردان و طفلان سیصد و سی و یک نفر بوده است (قمی، ۱۳۸۵:۲۲۰).

تشیع کاشان در کتاب نقض

آگاهی‌های فراوانی درباره تشیع کاشان در کتاب «نقض» آمده است. عبدالجلیل قزوینی رازی در این اثر، کتابی را که در رد بر شیعه بوده، پاسخ داده است. در قرن پنجم که کتاب مزبور تألیف شده، منطقه جبال مملو از شیعه بوده و در برابر خراسان سنی سخت مقاومت می‌کرده است. برابری تشیع جبال با تسنن ماوراءالنهر را خواجه نظام الملک نیز گزارش کرده است. وی می‌نویسد:

«در روزگار محمود و مسعود و طغرل بیک و آلب ارسلان، هیچ‌گیری، ترسایی و رافضی را زهری آن نبود که به صحرا آمدندی و یا پیش ترک شدندی» (نراقی، ۱۳۸۲:۲۱۵). خواجه ادامه می‌دهد: اگر کسی در آن روزگار به خدمت ترکی آمد، به کدخدایی یا فراش یا به رکابداری، از او پرسیدندی که تو از کدام شهری و ولایتی و چه مذهبی داری؟ اگر گفتی حنفی‌ام یا شافعی‌ام و از خراسان و ماوراءالنهرم و یا از شهری که سنی باشند، او را قبول کردی. و اگر گفتی شیعی‌ام و از قم و کاشان و آبه وریم، او را نپذیرفتند. گفتم به وی که ما مارکشیم و نه مار پروریم و اگر سلطان طغرل و سلطان آلب ارسلان، هیچ‌گونه بشنیدندی که امیری یا ترکی، رافضی را به خویشان راه داده است، با او عتاب کردند و خشم گرفتندی (طوسی، ۱۳۷۴:۲۱۶).

عبدالجلیل در قرن ششم، به مناسبت‌های مختلف از تشیع کاشان یاد کرده است. از جمله از قول مخالفان تشیع آورده که درباره تشیع قم و کاشان می‌گفتند:

«حمد لله که ما مسلمانییم نه (زقمیم) و نه زکاشانییم» (قزوینی، ۱۳۵۸:۵۷۷)

در مورد دیگری، عبدالجلیل در دفاع از اینکه آداب دینی در شهرهای شیعی رواج دارد، درباره کاشان می‌نویسد: و کاشان بحمدالله و منه، منور و مشهور بوده است همیشه و بحمدالله هست بزینت اسلام و نور شریعت و قواعد آن از مساجد جامع و مساجد دیگر با آلت و عدت و مدارس بزرگ، چون مدرسه صفویه، مجدیه، شرفیه و عزیزیه با زینت و آلت و عدت و اوقاف و مدرس، چون سید امام ضیاءالدین ابوالرضا، فضل‌الله بن علی الحسن، عدیم النظیر در بلاد عالم بعلم و زهد و غیره. او از ائمه و قضات و کثرت فقها و مقرران و مودنان و عقود مجالش و ترتیب علمای سلف چون: قاضی ابوعلی الطوسی و اولادش و در وی مصلحان بی‌مر و حاجیان بی‌عدد و عمارت مشهد امامزاده علی بن محمد الباقر به بارکرز است که مجدالدین فرموده است در آن حدود با زینت و عدت و آلت و رونق و نور برکات آن را همه ملوک و وزرا خریدار و سلاطین و امرا معترف و غیره آن و مانند این، که همه دلالت است بر صفای ایمان و نزهت طاعت مومنان کاشان (قزوینی، ۱۳۵۸:۱۹۸).

عبدالجلیل در جای دیگر نیز، مناطق شیعه‌نشین را در ایران و سرزمین‌های عربی به این ترتیب آورده است:

آنکه در ولایت حلب و حران و کوفه و کرخ و بغداد و مشاهد ائمه و مشهد رضا (ع) و قم و کاشان و آوه و سبزوار و گرگان و استرآباد و دهستان جربادقان و همه بلاد مازندران و بعضی از دیار طبرستان و ری و نواحی بسیاری از ری و بعضی از قزوین و نواحی آن و بعضی از خرقان، همه شیعی اصولی امامتی باشند، پس عالم بخشیده است بر این‌گونه که بیان کرده شد و به هر ولایتی طایفه‌ای غلبه دارند و خطبه و سکه مختلف است و احکام و فتاوی بر مذهبی خود کنند (قزوینی، ۱۳۵۸:۴۵۹). نویسنده فضایح، در عبارت ذیل از دو محله مهم شیعه‌نشین ری و نیز برخی از شهرهای شیعه مذهبی سخت گفته است:

«و بدان که مذهب شهر نباید داشتن، نه هر که در قم و کاشان و سبزوار و نیشابور باشد و ازمحلت‌های ری مصلحگاه و زاد مهران باشد، باید که رافضی باشد؛ مذهب حق باید داشتن؛ تبع هوی نبودن نه از بهر آن را که در ری غالبی رافضی‌اند، آن بهتر بود اگرچه به عدد بسیارند (۱۳۵۸:۴۵۳).

عبدالجلیل در موردی دیگر، از کثرت مدارس و مساجد شیعه در کاشان سخن گفته و در جای دیگری از تشیع شهرهای ساری، قم، کاشان، آبه، ورامین و در مصلحگاه» (قزوینی، ۱۳۵۸:۱۱۱). نقل دیگری از وی اشاره به رسم منقبت‌خوانی در شهرهای شیعه از جمله کاشان دارد (قزوینی، ۱۳۵۸:۷۷).

عبدالجلیل درباره برگزاری نماز جمعه نیز در شهرهای شیعه از جمله کاشان عبارتی دارد قابل توجه:

« بحمدالله و منه در همه شهرهای شیعت، این نماز برقرار و قاعده هست و می‌کنند با خطبه و اقامت و شرایط، چنانکه در دو جامع به قم و به دو جامع به آوه و یک جامع به کاشان و مسجد جامع به ورامین و در همه بلاد شام و دیار مازندران و انکار این، غایت جهل باشد (قزوینی، ۱۳۵۸: ۳۹۵).

تشیع کاشان در فهرست منتجب‌الدین

در این فهرست، اسامی عالمان شیعه کاشانی یا مقیم کاشان را در قرن ششم ملاحظه می‌کنیم. از جمله به چند عالم شیعی که در این شهر سمت قضاوت داشته‌اند، پرداخته شده است. چند قاضی مورد نظر عبارتند از:

سید کمال‌الدین ابوالمحاسن، قاضی خطیرالدین ابومنصور، سدیدالدین ابومحمد الحسن و... و همچنین از عالمانی یاد می‌کند که مانند برخی از قاضیان پیش گفته در اصل کاشانی نبودند، اما مقیم کاشان شده‌اند. افزون بر آنان که از خاندان عبدالجبار طوسی گذشت، کسان دیگر عبارتند از: سدیدالدین ابومحمد حسن بن حسین بن علی دوریستی (اجازه‌ای از این عالم روی نسخه‌ای از کتاب المبسوط شیخ طوسی با تاریخ ۵۸۴ بوده که آن نسخه را افندی دیده است؛ چنانکه اجازه دیگری از همو بر روی نسخه‌ای از ارشاد مفید بوده که افندی عین خط ایشان را دیده است (افندی، ۱۴۰۱ق: ۱۷۹). حکیم جمال‌الدین ابوسعید بن فرخان، ادیب موفق‌الدین علی بن ابی‌علی الحسن بن علی بن زیاده احنفی و...

جزآنچه گذشت، از برخی دیگر از عالمان کاشانی هم در این دوره یاد شده که از جمله آنها شیخ ادیب محمد بن محمد ایوب مفید کاشانی، شیخ رضی‌الدین ابوالنعیم بن محمد بن محمد کاشانی و خطیرالدین اسعد بن حمید بن احمد بن اسعد کاشانی هستند (افندی، ۱۴۰۱ق: ۳۶).

تشیع در راوند کاشان

راوند با فاصله تقریبی دوازده کیلومتری از کاشان در مسیر جاده قم به کاشان، از مراکز تشیع در نواحی جبال بوده است. یکی از برجسته‌ترین عالمان شیعه در قرن ششم، قطب‌الدین سعید بن عبدالله بن حسین بن هبه‌الله راوندی از مردمان همین شهر است که به دلیل برجستگی علمی، به شهر ری مهاجرت کرده و در آنجا نقش مهمی در تدوین برخی از معارف شیعی در دوره خویش بر عهده گرفت. شرح حال وی را ابن حجر در لسان المیزان از تاریخ ری منتجب‌الدین نقل کرده است. این امر و شواهد دیگری که استاد عبدالعزیز طباطبایی (ره) نقل کرده، نشان از سکونت وی در شهر ری دارد (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۲۹۹). وی آثاری چون «منهاج البراعه» در شرح نهج‌البلاغه، «قصص الانبیاء»، «فقه القرآن»، «الدعوات و الخرائج و الجرائح» نگاشته که از حدود هیجده اثر وی نسخه‌هایی باقی مانده و

بسیاری چاپ شده است. آثاری نیز داشته که متاسفانه تاکنون اثری از آنها یافت نشده است. مجموع آثار وی بنا به شمارش استاد طباطبایی در مأخذ پیش گفته، ۵۶ کتاب است. استاد شماری از چهره‌های برجسته خاندان راوند را همان‌جا یاد کرده است.

سید ابوالرضا فضل الله بن علی بن عبیدالله راوند عالم دیگر رواندی است که در جوانی از راوند به بغداد رفت تا به تحصیل علم بپردازد. در آنجا بود که نسخه‌ای از نهج البلاغه را به خطر مولف آن، یعنی سید رضی یافت و نسخه‌ای برای خود استنساخ کرد و در سال ۵۱۰ از استنساخ آن فارغ شد. وی بعدها به کاشان بازگشت و در آن شهر سکونت گزید. وی ادیبی برجسته بوده و اشعار وی به زبان عربی گواه تسلط وی بر این زبان است. عماد کاتب نیز در کتاب «خریده القصر» از او به عظمت و با القاب فراوان یاد کرده و نمونه‌هایی از اشعار وی را نقل کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۶۲).

چنان‌که درباره طباطبایی نوشته‌اند، وی نخستین شارح نهج البلاغه می‌باشد. از شرح نهج البلاغه وی، دو نسخه شناخته شده است. در میان تالیفات وی، یکی «ترجمه العلوی للطب الرضوی» است که ترجمه فارسی رساله طیبه امام رضا (ع) بوده است. همان‌گونه که گذشت وی شاعری برجسته بوده که دیوان وی به کوشش محدث ارموی، به چاپ رسیده است (طباطبایی، ۱۳۷۴: ۶۴).

یکی از فرزندان ابوالرضا راوندی، سید کمال‌الدین ابوالمحاسن احمد بن فضل الله حسنی است که مدتی قاضی کاشان بوده و چندی نیز در اصفهان به سر برده است. منتجب‌الدین از وی یاد کرده است (منتجب‌الدین، ۱۳۶۶: ۳۹). عزالدین ابوالحسن علی حسنی راوندی، فرزند دیگر اوست که منتجب‌الدین از وی و آثارش یاد کرده است. در فهرست منتجب‌الدین، از بسیاری از عالمان راوندی قرن ششم یاد شده است. این عالمان به‌طور عمده از دو خانواده قطب‌الدین راوندی و امام ابوالرضا ضیاء‌الدین فضل‌الله راوندی است. افزون بر قطب‌الدین راوندی و فضل‌الله راوندی که شرح حالشان گذشت و نیز سه فرزند فضل‌الله یعنی سید کمال‌الدین و سید عزالدین علی و تاج‌الدین ابوالفضل محمد عالمان دیگری که منتجب‌الدین از آنان یاد کرده عبارتند از:

شیخ رشیدالدین حین بن ابی‌الفضل بن محمد راوندی، شیخ نصیرالدین ابوعبدالله حسین به قطب‌الدین راوندی و... (اعلمی، ۱۴۲۰ق: ۶۴).

عالمان شیعه کاشان در قرن هشتم و نهم

با وجود محدودبودن منابع رجالی و تاریخ از این دوره، اسامی چند عالم شیعی این دو قرن را در دست داریم. نصیرالدین کاشی از عالمانی است که در اصل کاشانی بوده و برای تحصیل به عراق رفته، در حله ساکن شده است. به نقل قاضی نورالله، وی معارض قطب رازی و سید حیدر آملی (۷۸۷ق) بوده و آثاری مانند شرح طوابع قاضی بیضاوی، تعلیقات علی هوامش شرح الاشارات و رساله مشتمله علی عشرین اعتراضاً علی تعریف الطهاره فی کتاب القواعد نوشته است. قاضی نورالله از شهرت وی به

داشتن دقت و قدرت درک بالا سخن گفته است (افندی، ۱۴۰۱ق:۱۸۱). حسن بن حسین بن حسن سرابشنوی در شهر کاشان در ۲۲ جمادی الاولی سال ۷۳۵ در محله باب ورده نسخه‌ای از «تحریر الحکام الشرعیه» علامه حلی را کتابت کرده است. افندی نوشته است که اجازه‌ای از این عالم برای فرزندش زین‌الدین علی بر روی کتاب قواعد علامه دیده که از قرن هشتم بوده است. نیز اجازه‌ای از همو برای فرزندش روی نسخه‌ای نهج‌البلاغه دیده که تاریخ آن ۷۲۸ بوده است (افندی، ۱۴۰۱ق:۱۷۴). نمونه دیگر نسخه‌ای از مبسوط شیخ طوسی در اختیار افندی بوده که اجازه‌ای به خط حسن بن حسین بن علی دوریستی مقیم کاشان با تاریخ ۵۸۴ بر روی آن بوده است (افندی، ۱۴۰۱ق:۱۷۹). اجازه دیگری از همان عالم بر روی نسخه‌ای از ارشاد مفید بوده که افندی آن نسخه را نیز دیده است. نیز نسخه‌ای از ارشاد که توسط حسن بن محمد بت حسین جاسسی هزارکانی در ۱۴ شوال ۵۶۵ نوشته شده و در سال ۵۶۶ با نسخه فضل‌الله راوندی مقابله شده، به شمار ۱۱۴۴ در کتابخانه مرعشی‌نگهداری می‌شود. نسخه‌ای از الانتصار سید مرتضی با تاریخ کتابت ۲۵ ذیقعد سال ۵۹۱ توسط ابوالحسن علی بن ابراهیم بن حسن بن موسی فراهانی در محله باب و لان کاشان کتابت شده که به شماره ۳۵۹۸ در کتابخانه مرعشی‌نگهداری می‌شود. در این دو قرن، خاندان فتحان در شهر قم و کاشان زندگی می‌کردند. این خاندان از خاندان‌های شیعی مشهور است که از قرن هفتم به بعد، عالمانی از آنها شناسایی شده‌اند. یکی از این عالمان، مولانا عمادالدین محمد بن محمد بن فتحان است که علامه حلی با یک واسطه، از او حدیث نقل کرده است. از جمله آنها یکی عبدالملک بن اسحاق بن عبدالملک ابن فتحان الواعظ القمی الکاشانی است که یادداشتی از وی به تاریخ ۸۰۴ بر روی یکی از آثار علامه حلی موجود است (مدرسی، ۱۳۵۲:۴۵).

گفتنی است که این شخص، از برجستگان خاندان فتحان در اواخر قرن هشتم و اوایل قرن نهم هجری است که در کاشان اقامت کرده و پس از وی خاندان فتحان در این شهر بوده‌اند (مدرسی، ۱۳۵۲:۱۴۱).

حسین بن ابی‌الحسین بن محمد به حسن کاشانی دیگر عالم شیعی است که نسخه‌ای از «قواعد» علامه را در هفتم صفر سال ۷۲۸ کتابت کرده است. محمد بن علی بن حیدر بن حسن بن علی بن طاهر بن منصور مقری کاشانی در تاریخ شوال ۸۴۹ کتابت نسخه‌ای از «قواعد» را به اتمام رسانده است. اجازه‌ای در پایان آن نسخه آمده که به خط احمد بن معین بن همایون بن علی الکاشی در کاشان نوشته شده است. معین بن محمد بن علی بن دانیال الرهقی در سال ۸۹۸ در کاشان نسخه‌ای از «قواعد» را کتابت کرده است (طباطبایی، ۱۳۷۴:۱۴۹).

نتیجه‌گیری

مذهب تشیع از همان زمان پیامبر (ص) آغاز شد. یکی از شهرهای ایران که از نظر مذهب تشیع پیشینه‌ای دیرینه داشته شهر کاشان است. همانطور که در قسمت‌های قبل بیان شد، تشیع کاشان را باید با قم پیوند زد چون که بسیاری از شیعیان اصیل قمی همچون خاندان برقی در کاشان املاکی داشتند که در آنجا رفت و آمد می‌کردند. در کتب‌های مختلف در خصوص تشیع کاشان صحبت شده است و این نشان دهنده اهمیت تشیع در کاشان است. بسیاری از امام‌زاده‌ها در این شهر قرار دارند و همچنین مراسم انتظار ظهور مهدی (عج) در شهر کاشان برقرار بوده است. در کل می‌توان اذعان داشت که شهر کاشان از نظر مذهب تشیع تاریخچه‌ای مهم و با اهمیت داشته و در این خصوص صحبت‌هایی در کتب و نظرات افراد شده است.

منابع

- ابن حوقل، محمد. (۱۹۳۸م). صورة اللارض، کراموس، لیدن.
- ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۳۸۰). علل الشرايع، ترجمه محمد جواد ذهنی تهرانی، قم، نشر مومنین.
- افندی، عبدالله بن عیسی بیگ. (۱۴۰۱ق). رياض العلماء و حياض الفضلاء، قم، کتابخانه عمومی آیت‌الله مرعشی نجفی.
- اعلمی، ضیاء‌الدین. (۱۴۲۰ق). دیوان السيد الحمیری، لبنان، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۷). تاریخ تشیع در ایران از آغاز تا صفوی، تهران، مهارت.
- حموی، یاقوت. (۱۳۸۰). معجم البلدان، ترجمه علی نقی منزوی، تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور.
- خطیبی، محمد و دیگران. (۱۳۸۵). فرهنگ شیعه، چاپ اول، قم: انتشارات زمزم هدایت.
- رحمتی، محمدکاظم. (۱۳۹۵). تشیع: تاریخ و فرهنگ، قم، نشر مورخ.
- شمالی، حمد علی. (۱۳۸۴). شیعه‌شناسی مقدماتی، چاپ دوم، قم: مرکز انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- صادقی، مصطفی. (۱۳۸۶). کاشان در مسیر تشیع، قم، شیعه‌شناسی.
- طوسی، نظام‌الملک. (۱۳۷۴). سیاستنامه، تهران، انتشارات امیر کبیر.
- طباطبایی، سید عبدالعزیز. (۱۳۷۴). نهج‌البلاغه عبر قرون شروحه التسلسل الزمنی، پایگاه اطلاع رسانی سراسری اسلامی (پارسا).
- طباطبایی، عبدالعزیز. (۱۳۷۴). مکتبه‌العلامه الحلی، قم، موسسه آل‌البتیت لاحیا التراث.
- فرخ‌یار، حسین. (۱۳۶۹). مجموعه تاریخی مذهبی مشهد اردهال، هیئت امناء سلطان علی بن محمد باقر(ع)، چاپ اول.

- قریشی، سید حسن، عسگری، سعید (۱۳۹۱). جغرافیای تاریخی شیعه در سده‌های نخستین، نشریه سپهر، دوره بیست و یکم، شماره ۸۳.
- قزوینی، عبدالجلیل (۱۳۵۸). نقض، تهران، انجمن آثار ملی.
- قمی، حسن بن محمد (۱۳۸۵). تاریخ قم، ترجمه حسن بن علی قمی، قم، کتابخانه مرعشی نجفی.
- کربلایی، حافظ حسین (۱۳۸۳). روضات الجنان و جنات الجنان، ترجمه محمد امین سلطان قرائی، تهران، ستوده.
- گیرشمن، رومن (۱۳۷۴). ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه محمد معین، تهران، علمی و فرهنگی. چ دهم.
- لوی، حبیب (۱۳۳۹). تاریخ یهود ایران، تهران، کتابخانه بروخیم.
- مستوفی، حمدالله (۱۳۳۶). زهه القلوب، به کوشش محمد دبیر سیاقی، تهران، طهوری.
- منتجب‌الدین، علی بن عبیدالله (۱۳۶۶). الفهرست، قم، کتابخانه عمومی حضرت آیت‌الله مرعشی نجفی.
- مدرسی طباطبایی، حسین (۱۳۵۲). خاندان فتحان، کتابخانه مرکزی و مرکز اسناد دانشگاه علامه طباطبایی.
- مشهدی، محمد (۱۳۸۴). جغرافیای تاریخی کاشان در تاریخ قم، مجله کاشان‌شناخت، سال اول، شماره اول.
- نراقی، حسن (۱۳۸۲). آثار تاریخی شهرستان‌های کاشان و نطنز، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- نراقی، حسن (۱۳۴۵). تاریخ اجتماعی کاشان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- پروشلمی، دیوید (۱۹۹۸م). عمرانی شاعر یهود ایران، بادی‌اوند، ج ۲، به کوشش امون نتصر، لس‌آنجلس، نشر مزدا.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی